

اشاره:

حمایت و پشتیبانی از بخش تولید به شیوه‌های گوناگونی صورت می‌گیرد تا صنایع نوپا بتوانند به کار و فعالیت خود ادامه دهند و به تدریج بر قدرت رقابت آنها افزوده شود.

به عقیده کارشناسان اقتصادی، حمایت از صنایع نوپا در یک دوره کوتاه مدت (حداکثر پنج سال) باید استمرار پیدا کند و پس از آن قابلیت‌های مدیریت می‌بایست قدرت رقابت واحد تولیدی را تضمین کند. در ایران حمایت از صنایع گاه به دوره‌ای سی تا چهل سال می‌کشد و هنوز صنعت قادر به رقابت با تولیدات مشابه خارجی نیست و این‌گونه حمایت از هر صنعتی پذیرفته نیست و نشان از فقدان قدرت مدیریت و اتلاف منابع اقتصادی دارد.

به منظور حمایت از تولیدکننده، ضرورت دارد الگویی خاص طراحی و برنامه‌ریزی شود تا در یک بازار رقابتی، حق مصرف‌کننده نیز ضایع نگردد.

در این گزارش تلاش می‌شود شیوه‌های حمایت واقعی از تولید و تولیدکننده مورد ارزیابی قرار گیرد.

شیوه‌های حمایت از تولید و تولیدکننده



ضروری به نظر می‌رسد:

۱- تنظیم الگوی صحیح واردات مبتنی بر رفع نیازهای بخش تولید:

در طراحی و اولویت‌بندی برنامه واردات، توجه به نیازهای بخش تولید برای استمرار فعالیت بنگاه‌های تولیدی، ضروری است. هر گونه سهل‌انگاری در تأمین نیازهای بخش صنعت

برنامه‌ریزان و کارشناسان اقتصادی در بحث حمایت از تولید ملی و تولیدکنندگان، موضوع ضرورت رعایت حقوق مصرف‌کنندگان را نادیده نمی‌گیرند و در طراحی برنامه‌ای جامع برای حمایت از رشد تولیدات ملی، نقش مصرف‌کننده، انتخاب‌ها و حقوق او را منظور می‌نمایند.

در حمایت واقعی از بخش تولید، توجه به چند عامل،

نیازهای ارزی خود را تأمین کنند و هزینه‌های دولت نیز در بخش ارزی به تدریج کاهش می‌یابد.

○ در پروژه‌های سرمایه‌گذاری، توجه به امکانات داخلی ضرورت دارد تا بتوان صنایعی را پایه‌گذاری کرد که نیازهای ارزی آنها به واردات حتی‌الامکان کمتر باشد.

با توجه به نقشی که رعایت استانداردهای بین‌المللی در افزایش کارایی واحدهای تولید، منافع اجتماعی و کاهش بار مسؤلیت‌های دولت برای تأمین ارز دارد، تشویق مدیران واحدهای تولیدی به رعایت استانداردهای بین‌المللی در شرایط کنونی ضروری است.

۳- تأمین سود مناسب برای تولیدکننده:

یکی از مسایل بسیار مهم برای حمایت واقعی از تولید، ایجاد سود مناسب برای تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران در فعالیتهای اقتصادی مولد می‌باشد. این موضوع از دو جنبه حایز اهمیت است، اول آنکه اگر تولید، سود کافی به تولیدکننده نرساند، مدیران بنگاه‌های تولیدی از سرمایه‌گذاری جدید برای توسعه فعالیت واحد تحت تصدی خود دلسرد خواهند شد. چنانچه سرمایه‌گذاری برای جایگزینی ماشین‌آلات فرسوده و یا افزایش ظرفیت تولید صورت نگیرد، خواه‌ناخواه با پایان عمر مفید تجهیزات کارخانه، این واحد رو به تعطیل خواهد رفت.

در بسیاری از کشورها که شاهد رشد فعالیت شرکت‌ها و کارخانه‌ها هستیم، همواره بخش قابل‌توجهی از سود ناشی از فعالیت هر دوره واحد تولیدی به افزایش سرمایه اختصاص یافته و قدرت مانور واحد تولیدی برای بهبود کیفیت و کمیت کالاها (بازسازی واحدهای تولیدی یا سرمایه‌گذاری برای توسعه ظرفیت) بیشتر شده است، در حالی که در ایران معمولاً سود ناشی از فعالیت واحد از آن خارج شده و به سهامداران تخصیص می‌یابد. آنها نیز این منابع را صرف خرید کالاهای غیرضرور و لوکس (خانه بزرگتر، خودروی بهتر، جواهرات و...) کرده‌اند. این روند، رشد سرمایه‌گذاری‌های مولد را محدود می‌سازد، در حالی که یکی از معضلات عمده در کشورهای درحال توسعه، پایین بودن سطح سرمایه‌گذاری ملی است.

از سوی دیگر، میزان سود واحدهای تولیدی برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، حایز اهمیت است. چنانچه قیمت‌گذاری کالاها به‌گونه‌ای باشد که سود واحدهای تولیدی

(مواد اولیه، قطعات و تجهیزات، ماشین‌آلات و دانش فنی) سبب بروز خسارات جبران‌ناپذیری می‌شود. ضعف در تأمین نیازهای بخش صنعت به عدم استفاده از ظرفیت‌های تولیدی موجود، بیکاری کارگران و کاهش تولید ملی می‌انجامد. لذا تأمین نیازهای بخش صنعت از طریق واردات آن بخش از نیازها که قابل تأمین از منابع داخلی نمی‌باشند، در اولویت برنامه واردات می‌باشد.

در طراحی الگوی سرمایه‌گذاری، توجه به امکانات موجود داخلی (مواد خام، نیروی کار، انرژی، دانش فنی و...) ضرورت دارد تا بتوان در حد ممکن، صنایعی را پایه‌گذاری کرد که منابع داخلی را با ارزش افزوده بیشتر به مرحله فرآوری برساند و اتکاء آن به واردات، حتی‌الامکان کمتر باشد.

الگوی سرمایه‌گذاری که برای راه‌اندازی یک واحد تولیدی تا حد قابل‌توجهی به واردات (مواد خام، تجهیزات و ماشین‌آلات و...) وابسته است، در شرایطی که منابع ارزی محدود و محصول تولیدی برای بازار داخلی قابل عرضه باشد، چندان توجیه اقتصادی ندارد، مگر آنکه از طریق بازاریابی در خارج از مرزها، قابلیت صدور و ایجاد درآمد ارزی برای واحد تولیدی داشته باشد.

با این وصف در تنظیم الگوی واردات، همواره باید به پروژه‌های سرمایه‌گذاری جدید و میزان وابستگی آنها به خارج از کشور توجه داشت. در ضمن تأمین به‌موقع نیازهای وارداتی صنعت در واقع حمایت از تولید ملی و تولیدکننده می‌باشد، زیرا که استمرار فعالیت واحد تولیدی، استمرار فروش و سودآوری آن واحد را به دنبال دارد.

۲- تشویق رعایت استانداردهای بین‌المللی:

یکی از مواردی که مسؤولان و برنامه‌ریزان اقتصادی برای حمایت از تولید باید همواره مدنظر داشته باشند، تشویق مدیران واحدهای تولیدی (اعم از بخش‌های دولتی، خصوصی و تعاونی) به بهره‌گیری از استانداردهای بین‌المللی به‌ویژه استانداردهای سری ایزو ۹۰۰۰ و سری ایزو ۱۴۰۰۰ می‌باشد. رعایت این استانداردها ضمن تقلیل هزینه‌های واحدهای تولیدی، کاهش ضایعات محیط زیست و منافع مصرف‌کنندگان را نیز به دنبال دارد.

از سوی دیگر، قدرت رقابت واحد تولیدی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را تقویت می‌کند و کالاهای تولیدی قابل عرضه در بازارهای مختلف خواهد بود. لذا از طریق صادرات کالاهای استاندارد، واحدهای تولیدی قادر می‌باشند بخشی از

تولیدکننده همواره با تقاضای متعادلی در بازار روبه‌رو می‌باشد که برای پاسخ‌گویی به آنها، برنامه تولید خود را تنظیم می‌کند. بارها مشاهده شده است که افراد سرمایه‌دار سودجو برای مدت محدودی (مثلاً شش ماه) با واحدهای تولیدی قرارداد می‌بندند و محصول تولیدی آنها را پیش‌خرید کرده و به قیمت ارزان‌تر از قبل به بازار عرضه می‌کنند. البته سوءمدیریت واحدهای تولیدی در این زمینه نقش بسزایی دارد، زیرا این‌گونه واحدها پس از ختم قرارداد مذکور، خود قادر به ادامه فعالیت با قیمت‌های جدید بازار نمی‌باشند.

در این گونه موارد، بازبینی در نظام مدیریت واحدهای تولیدی و نیز اجتناب از عقد قراردادهای این‌چنینی که واحدهای تولیدی را با مشکلات بعدی روبه‌رو می‌سازد، ضرورت دارد. فروش کالاهای تولیدی واحدهای صنعتی به واسطه‌ها نیز مشکلاتی دربردارد که افزایش قیمت کالا و نوسان تقاضا را در پی دارد. در این شرایط اگر واحد تولیدی برای فروش تولیداتش فقط به بازار داخلی متکی باشد، ضرر و زیان بیشتری خواهد دید.

شبکه حمل و نقل سریع و مناسب نیز سبب می‌شود که عرضه مستمر و سلامت کالا به مصرف‌کننده تضمین شود و تولیدکنندگان (به‌ویژه تولیدکنندگان محصولات کشاورزی) متضرر نشوند. با این وصف بهبود شبکه‌های توزیع و حمل و نقل، منافع مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان را توأمان تضمین می‌کند.

○ اگر نرخ سود در فعالیتهای تولیدی در مقایسه با فعالیتهای سوداگری، دلالتی و واسطه‌گری ناچیز باشد، سرمایه‌گذاران جدید در امور اقتصادی مولد سرمایه‌گذاری نخواهند کرد و کمبود سرمایه‌گذاری، سرانجام بر رشد تولید ناخالص داخلی اثر منفی دارد.

۶- اطلاع‌رسانی به‌هنگام:

یکی از موارد حمایت واقعی از بخش تولید، نظام اطلاع‌رسانی صحیح و به‌هنگام می‌باشد. معمولاً تولیدکنندگان به اطلاعات مختلفی نیاز دارند، از قبیل: منابع دست اول تأمین مواد خام از بازارهای داخلی یا خارجی، میزان تقاضا برای کالاهایشان در بازارهای داخلی و خارجی، روند قیمت‌ها در

در قیاس با نرخ سود بازار، سودآوری فعالیت‌های معامله‌گری، واسطه‌گری، بورس‌بازی و... کمتر باشد، سرمایه‌گذاران جدید، منابع مالی خود را در فعالیتهای اقتصادی مولد، سرمایه‌گذاری نخواهند کرد، زیرا که یکی از انگیزه‌های مهم سرمایه‌گذاری، کسب سود می‌باشد.

○ برای حمایت از تولید، تشویق مدیران بنگاه‌های تولیدی به رعایت استانداردهای بین‌المللی برای کاهش قیمت تمام‌شده تولیدات آنها و تقویت قدرت رقابتشان در بازارهای داخلی و خارجی ضروری است.

بنابراین، مقررات مالیاتی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که سود فعالیتهای مولد در قیاس با سایر فعالیتهای (به‌ویژه فعالیتهای تجاری و واسطه‌گری) قابل رقابت باشد تا انگیزه سرمایه‌گذاری تقویت شود. با این وجود نقش نهادهای مسؤل برای حمایت از تولیدکنندگان در تعیین قیمت کالاها بسیار حساس است.

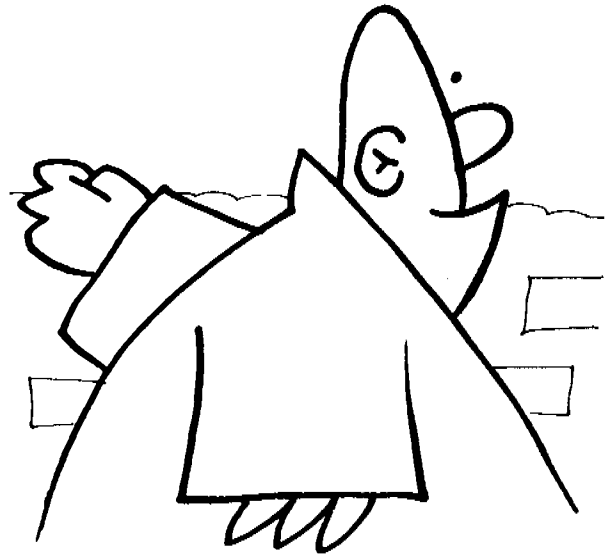
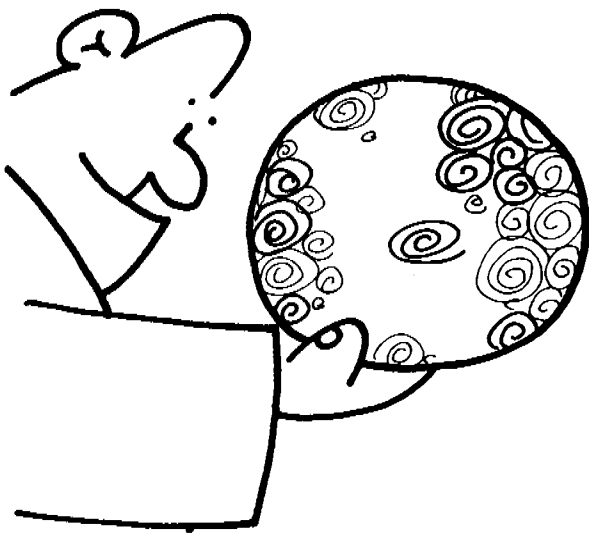
۴- نظارت بر تولیدکنندگان:

همکام با تعیین سود مناسب برای تولیدکنندگان جهت استمرار روند تولید و سرمایه‌گذاری در فعالیت مولد، نظارت دستگاه‌های ذی‌ربط بر نحوه فعالیت تولیدکنندگان در قیمت‌گذاری کالاها، ضروری است. این نظارت از دو جهت، یکی حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و دوم نحوه فروش کالا ضرورت دارد.

در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود که سود فعالیت بنگاه‌های اقتصادی (اعم از بنگاه‌های تولید صنعتی یا کشاورزی) و تعیین قیمت از سوی آنها، با رعایت ضوابط خاص (سود ۲۰ درصدی تولیدکننده) انجام شده، اما از آنجا که فروش کالا از طریق واسطه‌ها صورت گرفته است، قیمت‌ها در بازار در حد اجحاف به مصرف‌کنندگان می‌باشد. لذا نظارت بر نحوه فروش و توزیع کالاها از مبدأ تولید تا مقصد مصرف نهایی، ضروری است. این امر به واقع حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده می‌باشد، زیرا هنگامی که قیمت‌ها در بازار در سطح قابل قبول می‌باشند، میزان تقاضا رو به نقصان نمی‌گذارد تا در نهایت به ضرر تولیدکننده تمام شود.

۵- بهبود شبکه توزیع و حمل و نقل

با بهبود شبکه‌های توزیع و نیز حمل‌ونقل کالاها،



این اقدام می‌تواند در کاهش تفاوت قیمت کالا در بازار آزاد و قیمت کارخانه، نقش مؤثری داشته باشد و ضمن حمایت از تولیدکننده، منافع مصرف‌کنندگان را نیز تأمین نماید. از سوی دیگر، نقش مؤثری در کاهش نقدینگی در دسترس مردم و جلوگیری از چرخش این منابع به سوی معاملات واسطه‌گری و دلالی خواهد داشت. لذا برای حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، قراردادهای پیش‌فروش می‌توانند نقش مؤثری داشته باشند.

۸- توجه به صادرات:

با عنایت به آنکه اقتصاد ایران برای کاهش وابستگی به درآمدهای حاصل از صادرات نفت، به رشد صادرات غیرنفتی نیازمند است، ضرورت دارد که مدیران بنگاه‌های اقتصادی، همواره نیم‌نگاهی به بازرگانی خارجی و صادرات داشته باشند. این امر از دو جهت حایز اهمیت است: اول آنکه رشد صادرات، منافع ملی را به دنبال دارد و دوم آنکه واحدهای تولیدی را در تأمین بخشی از ارز موردنیاز خود برای واردات مواد خام و تجهیزات و قطعات، از وابستگی شدید به منابع ارزی تخصیص یافته از سوی نهادهای دولتی، نجات می‌دهد. خودگردانی ارزی واحدهای تولیدی سبب می‌شود که توقف‌های ناشی از تشریفات اداری طولانی برای تخصیص ارز و تأمین مواد اولیه در فرآیند تولید تا حد قابل‌توجهی کاهش یابد.

بازارها (داخلی و خارجی) و پیشرفت‌های فنی و علمی در زمینه فعالیت آنها، نرخ برابری ارزها، نرخ‌های سود اعتبارات بانکی و... اطلاع‌رسانی صحیح و به‌هنگام به تولیدکنندگان می‌تواند آنها را در پیشبرد فعالیت‌هایشان از جنبه‌های کیفی و کمی حمایت کند و مدیران بنگاه‌های اقتصادی در اتخاذ تصمیمات راهبردی با روشنگری و روشن‌بینی، اقدام نمایند.

۷- پیش‌فروش کالاها:

در حال حاضر با توجه به کمبود نقدینگی، اغلب واحدهای تولیدی برای تأمین مواد اولیه، ماشین‌آلات، قطعات و تجهیزات موردنیاز یا خرید دانش فنی جدید، با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌باشند. اجازه پیش‌فروش کالا به مصرف‌کنندگان نهایی (نه واسطه‌ها) می‌تواند در تأمین نقدینگی موردنیاز واحدهای تولیدی، نقش بسزایی داشته باشد. قرارداد پیش‌فروش کالا با توجه به نوع کالا می‌تواند با فروشگاه‌های زنجیره‌ای، تعاونی‌های محلی، کارگری، کارمندی، مردم، شرکت‌های بازرگانی (شرکت‌های صادرکننده) و... صورت بگیرد.

○ فروش تولیدات کارخانه‌ها به واسطه‌ها سبب افزایش قیمت در بازار و نوسان در تقاضا خواهد شد. اگر واحد تولیدی برای فروش به بازار داخلی متکی باشد، نمی‌تواند در بلندمدت فعالیت کند.

○ برای دستیابی به اقتصاد ناوابسته به نفت، تشویق مدیران بنگاه‌های تولیدی به فروش بخشی از تولیداتشان در بازارهای خارجی برای تأمین بخشی از نیازهای ارزششان، ضروری است.

۱۰- تنظیم الگوی مناسب مالیاتی:

اقتصاددانان بر این عقیده هستند که چنانچه نظام اقتصادی حاکم، حمایت واقعی از رشد تولید ناخالص داخلی را مدنظر قرار دهد، می‌بایست سیاست‌های مالیاتی به‌گونه‌ای طراحی و تنظیم شود که بخش تولید را مورد تشویق قرار دهد. آنها بر این باور هستند که چنانچه درآمدهای ناشی از فعالیت‌های تولیدی با نرخی کمتر از دیگر فعالیت‌های اقتصادی (بازرگانی، خدمات و...) مشمول مالیات شوند، رشد سرمایه‌گذاری در بخش تولید محقق خواهد شد، زیرا نرخ‌های ترجیحی در مالیات‌ها، عاملی برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران می‌باشد.

اقتصاددانان پیشنهاد می‌کنند که صنایع نوپا دست‌کم برای پنج سال نخست فعالیت خود از پرداخت مالیات بردرآمد معاف گردند و در دوره‌های بعدی نیز با نرخ کمتری مشمول مالیات گردند. آنها بر این باور هستند که دریافت مالیات از ثروت اشخاص حقیقی بهترین شیوه اخذ مالیات است که مردم را به سرمایه‌گذاری در امور مولد اقتصادی تشویق می‌کند و جامعه را به سوی فرهنگ سهامداری پیش می‌برد.

با این وصف، تنظیم الگوی مالیاتی که حمایت از تولید و تولیدکننده را مدنظر قرار دهد، از اقدامات ضروری به‌ویژه برای کشورهای درحال توسعه می‌باشد که با سطح اندک پس‌انداز ملی و سرمایه‌گذاری روبه‌رو هستند.

اقتصاددانان همواره بر این نکته تکیه می‌کنند که حمایت واقعی از بخش تولید، سرانجام متوجه بخش مصرف می‌گردد، زیرا هر گونه فعالیت برای کاهش قیمت تمام‌شده کالاها و خدمات، منافع مصرف‌کنندگان را نیز تأمین خواهد کرد.

لذا ایجاد زمینه‌های مساعد برای شکوفایی صادرات و تشویق مدیران بنگاه‌های اقتصادی برای فروش خارجی بخشی از تولیداتشان، ضرورت دارد. در این راستا، تخفیف‌های مالیاتی، کاهش عوارض و حقوق گمرکی آن بخش از واردات واحدهای تولیدی که از منابع ارزی خودشان تأمین مالی شده است و... کارساز خواهد بود.

۹- تأمین به‌موقع نیازهای ارزی و ریالی:

یکی از اقدامات مؤثر برای حمایت از تولید، تأمین به‌موقع نیازهای ارزی و ریالی واحدهای تولیدی است. معمولاً واحدهای صنعتی کشور برای تأمین منابع ارزی موردنیاز خود، تا حدود زیادی به نهادهای دولتی تخصیص‌دهنده ارز، متکی می‌باشند. هنگامی که تشریفات اداری تخصیص ارز، گشایش اعتبار اسنادی برای واردات و سرانجام واردات و ترخیص کالا در رساندن آن به کارخانه در فرآیندی طولانی انجام می‌گیرد، واحدهای تولیدی نمی‌توانند از تمام قابلیت‌های خود برای رشد تولید ملی استفاده کنند و گاهی با توقف تولید روبه‌رو می‌شوند. این امر در شرایطی که هزینه‌های سربار همچنان وجود دارد، سودآوری و قدرت رقابت واحدهای تولیدی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و لذا کاهش موانع اداری برای تخصیص ارز ضرورت دارد.

در تأمین منابع ریالی موردنیاز واحدهای تولیدی نیز نظام بانکی باید شرایطی را ایجاد کند که دسترسی به منابع برای مدیران بنگاه‌های صنعتی سهل‌تر و در زمانی کوتاه‌تر صورت بگیرد. اگرچه رعایت سیاست پولی انقباضی سبب شده که نظام بانکی در اعطای اعتبارات، محدودیت‌هایی را به‌وجود آورد، اما این محدودیت‌ها با توجه به توسعه‌نیافتگی و ناکارایی بازار سرمایه در ایران و تنگناهای دسترسی به ریال در این بازار، فرآیند تولید را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اگر چه امروزه راهکارهایی نظیر افزایش سرمایه از طریق تقسیم نکردن سود ناشی از فعالیت در دوره مالی قبل، انتشار اوراق جدید سهام و فروش آن در بازار سهام، پیش‌فروش کالا با شرایط ویژه و... توصیه می‌شود، اما صنایع کمابیش به اعتبارات بانکی نیاز دارند و بانک‌ها با اتخاذ سیاست پولی انقباضی، موانعی را برای آنها به‌وجود می‌آورند. به هر حال تأمین به‌موقع منابع ریالی و ارزی موردنیاز واحدهای صنعتی به طرق مختلف، از شیوه‌های حمایت از تولیدکنندگان می‌باشد و هر اندازه این منابع ارزان‌تر در اختیار بخش تولید قرار گیرد، نقش بسزایی در قیمت تمام‌شده خواهد داشت.